

تحلیل سیاسی هفته (۱۵) بررسی تغییرات در تیم امنیت ملی آمریکا

مقدمه

اوباما در نهایت انجام تغییرات در تیم امنیت ملی خود را اعلام کرد. این تغییرات در واقع سازماندهی مجدد افراد تأثیرگذار در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری امنیت داخلی و خارجی ایالات متحده به‌شمار می‌آید. هرچند این تحولات پیش از این نیز قابل پیش‌بینی بود با این حال انجام این تغییرات در سطح کلان مطمئناً براساس برنامه‌ای مشخص صورت پذیرفته است.

برنامه تغییرات در تیم امنیت ملی اوباما

۱. مهمترین تغییرات انجام شده در وزارت دفاع صورت می‌پذیرد که طی آن رابرت گیتس جمهوریخواه که از دولت قبلی باقیمانده بود جای خود را به لئون پانتا (رئیس سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا)) می‌دهد. این تغییر از قبل قابل پیش‌بینی بود و توسط خود گیتس نیز اعلام شده بود. ۶ ماه قبل گیتس به اوباما پیشنهاد کرد پانتا جایگزین وی شود.
۲. تغییر دیگر در سازمان سیا صورت می‌پذیرد که طی آن پانتا پس از انتقال به وزارت دفاع جای خود را به دیوید پترائوس خواهد داد. پترائوس فرماندهی نیروهای آمریکا و ناتو را در افغانستان برعهده دارد.
۳. جان آلن نیز جایگزین دیوید پترائوس در افغانستان می‌شود. وی در حال حاضر معاون فرماندهی مرکزی ایالات متحده را برعهده دارد.
۴. سفیر آمریکا در افغانستان، کارل آیکنبری، نیز جای خود را به رایان کراکر خواهد داد. رایان کراکر در سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ سفیر آمریکا در عراق بوده و سابقه همکاری مؤثری با پترائوس در عراق دارد.
۵. ازسوی دیگر در ماه‌های آینده مایکل مولن رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا نیز براساس برنامه، تغییر خواهد کرد.

مهمترین دلایل تغییرات

جهت تحلیل این تغییرات باید به دو سطح داخلی و بین‌المللی در آمریکا توجه کرد به نحوی که شاید نتوان اولویت یکی بر دیگری را نیز لزوماً مشخص کرد. در سطح داخلی اوباما پس از شکست در انتخابات میان‌دوره‌ای تحت فشار شدید جمهوریخواهان قرار داشت و رقابت‌های داخلی، به‌خصوص در رابطه با بودجه، دولت اوباما را تا آستانه توقف برخی فعالیت‌ها به پیش برد. ازسوی دیگر آغاز رقابت‌های ریاست‌جمهوری در آمریکا که با اعلام نامزدی رسمی اوباما و چند سفر انتخاباتی نیز همراه بود باعث شد اوباما به فکر اثبات قدرت مدیریت و شایستگی خود برای تصدی مجدد ریاست‌جمهوری افتاده و به‌منظور جبران شکست‌های دو سال‌ونیم حکومت خود اقداماتی انجام داده و گام نخست را در کارزار انتخاباتی با قوت بردارد. لذا این تغییرات در سطح تیم امنیت ملی اولاً برای نشان دادن تسلط بر اوضاع در داخل و خلع سلاح رقیب انتخاباتی است. این افراد همه مورد احترام و اعتماد داخلی در آمریکا بوده و حتی جمهوریخواهان نیز اعتراضی به این تغییرات ندارند. سازماندهی مجدد تیم امنیتی می‌تواند وجه منفی اوباما - به‌عنوان رئیس‌جمهوری که علاقه‌ای به مدیریت و هدایت مستقیم امور ندارد - بهبود بخشد.

ازسوی دیگر اختلاف جدی دو حزب بر سر کاهش بودجه و خصوصاً کاهش ۴۰۰ میلیارد دلاری بودجه تا سال ۲۰۲۳ که بخش عمده آن در مسائل دفاعی صورت می‌پذیرد، سبب شد لئون پانتا که تجربه کاهش بودجه در دولت بیل کلینتون را داشته و موافق این طرح است در پنتاگون مستقر شده و تحت نظارت وی اولین اقدامات مدیریت شود. پانتا در دوران بیل کلینتون مدیریت بودجه را در کاخ سفید برعهده داشت و کارنامه موفقی از خود برجای گذاشت.

نکته مهم دیگری که نباید از آن غفلت کرد آن است که خبر کشته شدن بن لادن در این مقطع توانست این فرصت را برای اوپاما به وجود آورد که این تغییرات را نه به دلیل شکست، بلکه به دلیل افزایش کارآمدی سازمان‌های امنیتی جلوه دهد. این مسئله، احتمال برنامه‌ریزی در زمان اعلام خبر مرگ بن لادن را نیز افزایش می‌دهد، اما در سطح بین‌المللی نیز این تحولات در منصب‌ها به همراه در نظر گرفتن کشته شدن بن لادن دارای اهداف و پیامدهایی است.

اولاً جنگ آمریکا که ۱۰ سال قبل به بهانه مبارزه با القاعده و تروریسم صورت گرفته امروز با کشته شدن بن لادن به انتهای خود نزدیک می‌شود و این کشور می‌تواند براساس برنامه از قبل تعیین شده تا ۲۰۱۴ از افغانستان خارج شود. ضمن اینکه سازمان سیا توانسته به شکل مثبت در این حادثه عمل کرده و اوپاما می‌تواند با موفقیت رئیس آن را جابجا کند. اوپاما در افغانستان با جنگی روبرو است که مردم آمریکا از آن حمایت نکرده و خواهان اتمام آن هستند لذا در جهت مدیریت این فضا، تغییرات در این کشور نیز قابل تحلیل است.

ثانیاً ورود پانتا به پنتاگون باعث امنیتی شدن فضای عملکرد وزارت دفاع آمریکا در منطقه خاورمیانه شده و نقش رویکرد سیا در عملیات مبارزه با تروریسم را در افغانستان و پاکستان افزایش می‌دهد. استراتژی نظامی ایالات متحده در سال‌های آتی خصوصاً در دوران اوپاما به سمت کاهش نقش عملیات نظامی و حرکت به سوی استفاده از سایر منابع قدرت پیش می‌رود.

ثالثاً آیکنبری در پست سفیر آمریکا نتوانست با دولت کرازای و نیز حکومت پاکستان ارتباط مؤثری برقرار نماید و از این منظر باید جای خود را به کراکر با تجربه‌ای می‌داد که سابقه همکاری با پترائوس و نیز کار دیپلماتیک در لبنان، سوریه و پاکستان را نیز در سطوح عالی دارد. ازسوی دیگر موضوع روابط آمریکا با پاکستان می‌تواند در ماه‌ها و سال‌های آینده بسیار پیچیده باشد. ازاین‌رو اوپاما تصور می‌کند تجربیات کراکر در این زمینه کمکی مؤثر به دولت وی خواهد کرد. به عبارت دیگر اوپاما تیمی که از نظر او در عراق موفق عمل کرده به افغانستان منتقل می‌کند تا نتایج مد نظر وی حاصل شود.

نکته آخر آنکه با توجه به اهمیت جنگ افغانستان و پاکستان برای اوپاما وی به دنبال جایگزینی فردی مناسب برای پترائوس بوده و ازاین‌رو جان آلن را که در سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ در عراق نقشی کلیدی داشت به افغانستان خواهد فرستاد. وی در عملیات ضدشورش در عراق دارای تجاربی است که به نظر دولتمردان آمریکایی می‌تواند در افغانستان نیز کاربرد داشته باشد.

جمع‌بندی

تغییرات اعلام شده در تیم امنیت ملی آمریکا که باید به تأیید سنا نیز برسد - و به احتمال بسیار به سرعت این تأییدیه را نیز خواهد گرفت - قبل از آنکه تغییراتی اساسی به حساب آید سازماندهی مجدد تیمی است و در حال حاضر علاوه بر کارکرد انتخاباتی باید مدیریت بازگشت از افغانستان بر اساس برنامه را برعهده بگیرد. به عبارت بهتر اوپاما به دنبال هدایت و مدیریت جنگ‌های بیرونی خود و ازسوی دیگر منازعات درونی با جمهوریخواهان است.